

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیہ السلام)

(جلد دوم)

سرپرست علمی:
دکتر احمد پاکتچی

بہ اہتمام:
مرتضی سلمان نژاد

با آثاری بہ قلم: (بہ ترتیب حروف الفبا)
علی اشرف امامی - رضا اکبری - حسن بشیر - احمد پاکتچی
فرامرز حاج منوچہری - مہدی سپہری
یحیی میرحسینی - حسین ہوشنگی

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۲۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir

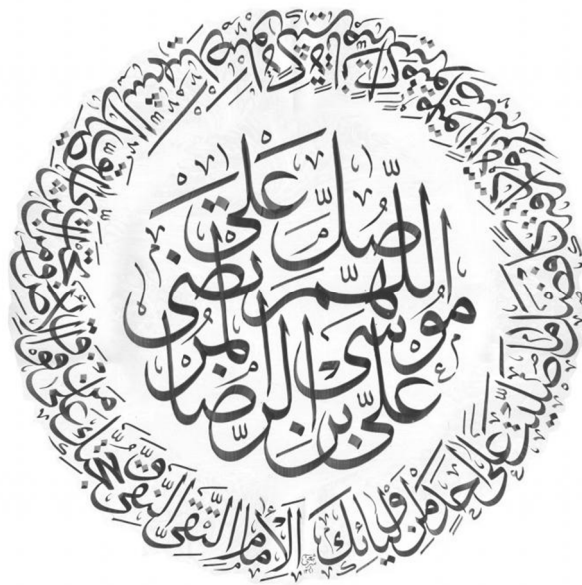


پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
دانشگاه امام صادق (ع)
بنیاد بین‌المللی هنری امام رضا (ع)
دانشگاه امام صادق (ع)

ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع) جلد دوم ■ به اهتمام: مرتضی سلمان نژاد ■ سرپرست علمی:
دکتر احمد پاکتچی ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) - بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع)
پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ■ ویراستار ادبی: علی اکبر گشایش ■ نمایه‌سازی: رضا دیبا
چاپ اول: ۱۳۹۲ ■ قیمت: ۱۸۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۷۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر
■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۳۵۷-۰

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: سلمان نژاد، مرتضی، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیه‌السلام)
سرپرست علمی احمد پاکتچی؛ به اهتمام مرتضی سلمان نژاد؛ با آثاری به قلم
مهدی ایزدی... [و دیگران].
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ج: ۱؛ ۵۱۲ ص
شابک: ج: ۲؛ ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۳۵۷-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: با آثاری به قلم مهدی ایزدی، احمد پاکتچی، فرامرز جاج‌منوچهری،
شهرام خلارودیان، محمدکاظم رحمان‌ستایش...
موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ ق.
شناسه افزوده: پاکتچی، احمد، ۱۳۴۲ -
شناسه افزوده: ایزدی، مهدی
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۲ الف/س/ BP۴۷
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۲۸۰۴۶



فهرست مطالب

.....	سخن ناشران	۹
.....	مقدمه اول	۱۱
.....	مقدمه دوم	۱۳
.....	مقدمه سوم	۱۵
.....	ادامه بخش سوم: علوم و معارف در آموزه‌های امام رضا (علیه السلام)	۱۷
.....	فصل ۱۳. امام رضا، کلام و مسائل کلامی عصر حسین هوشنگی	۱۹
.....	فصل ۱۴. امام رضا (علیه السلام) و مسائل اصول فقه احمد پاکتچی	۳۵
.....	فصل ۱۵. امام رضا (علیه السلام) و دانش فقه احمد پاکتچی	۶۹
.....	فصل ۱۶. معرفت شناسی فضیلت: فضیلت‌ها و رذیلت‌های معرفتی در روایات رضوی	۱۰۹
.....	رضا اکبری	
.....	فصل ۱۷. اخلاق و نظام اخلاقی در مکتب علی بن موسی الرضا (علیه السلام)	۱۲۹
.....	مهدی سپهری	
.....	بخش چهارم: امام رضا (علیه السلام)، گفتمان عصر و ادبیات نادر کار شیعه	۱۴۵
.....	فصل ۱۸. امام رضا (علیه السلام) و گفتمان امامت: تحلیل گفتمانی حسن بشیر	۱۴۷
.....	فصل ۱۹. امام رضا (علیه السلام) و جریان تصوف و عرفان علی اشرف امامی	۲۸۱

۸ □ ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیه السلام) (جلد دوم)

فصل ۲۰. تعامل امام رضا (علیه السلام) با مهم‌ترین جریان‌های فکری — کلامی غیر شیعی	۳۲۱
یحیی میرحسینی	
فصل ۲۱. امام رضا (علیه السلام) در میراث زیدیه	۳۵۱
یحیی میرحسینی	
فصل ۲۲. مناسبات دوسویه امام رضا (علیه السلام) و جریانهای زیدیه	۳۸۵
یحیی میرحسینی	
فصل ۲۳. امام رضا (علیه السلام) و پدیده استناد و ارجاع	۴۰۹
احمد پاکتچی	
فصل ۲۴. ارزیابی آثار منتسب به امام رضا (علیه السلام)	۴۳۱
فرامرز حاج منوچهری	
فصل ۲۵. گزارش تاریخی - گونه شناختی از آثار دوره‌های متأخر پیرامون امام رضا (علیه السلام)	۴۶۳
فرامرز حاج منوچهری	
نمایه	۴۸۷

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشران

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات

نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)**

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه اول

خدا رحمت کند کسی که امر ما را احیاء کند. امام رضا (علیه السلام)

سپاس و ستایش خداوند بلندمرتبه را که به خدمتگزاران حضرت ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) توفیق عطا فرمود تا باری دیگر سهمی در نشر فرهنگ و اندیشه رضوی داشته باشند. جشنواره بین‌المللی امام رضا (علیه السلام) با هدف ترویج سیره رضوی و تقویت بیش از پیش روح معنویت در جامعه با همت والای اندیشمندان عرصه علم، مروّجان فرهنگ و معلمان عرصه هنر می‌کوشد تا قطره‌ای از دریای بیکران علم عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) را در بین دوستداران و محبان آن حضرت جاری سازد. اکنون می‌توان با اطمینان و افتخار ادعا نمود که این جشنواره با نام نامی عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) زیب و زینت و اعتبار یافته و به محور مداری برای پرداختن به فرهنگ ناب رضوی تبدیل شده است و به همین سبب آن را می‌توان نه تنها بزرگترین و فراگیرترین رویداد فرهنگی و معنوی و ولایی کشور بلکه جهان اسلام دانست که در جمهوری اسلامی ایران و تحت زعامت و رهبری رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حال انجام و اجرای سالیانه است این افتخاری است که به همت و تلاش و پشتکار تمام عاشقان و دلبستگان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و بویژه شیفتگان ساحت

نورانی امام هشتم (علیه السلام) نصیب حوزه‌ی فرهنگ شده است. و کتاب حاضر که از دستاوردهای این جشنواره نورانی می‌باشد توانسته است با همت اندیشمندان و فرهیختگان به ثمر نشسته و تقدیم محضرتان گردد و امید است که انشاءالله مقبول اهل نظر واقع شود. برای تمامی همراهان نیک‌اندیش بویژه همراهی اساتید معزز و علی‌الخصوص دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در این زمینه نهایت همراهی را داشته‌اند. زیر لوای ولایت سلطان سریر ارتضا حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) و تحت توجهات خاصه حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) آرزوی توفیق و التماس دعای خیر دارم.

سید جواد جعفری

مدیر عامل

بنیاد بین‌المللی فرهنگی و هنری امام رضا (علیه السلام)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه دوم

بی شک حضرت علی بن موسی الرضا المرتضی، سبط خاتم الانبیاء والمرسلین، فرزند فاطمه و یادگار امیر المومنین علیه السلام در ایران اسلامی، افزون بر آن که حجت خدا و امام و وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، بزرگترین پدیده فرهنگی در ایران اسلامی است چه آن که میلیون‌ها نفر در سرتاسر این سرزمین پهناور هر سال از سر عشق و شوق به زیارتش می‌شتابند و از ژرفای جان به ایشان عشق می‌ورزند.

یکی از ابتکارهای جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ آن است که پژوهش‌های بنیادی، ماندگار و مؤثری را در برنامه‌های خود گنجانیده است؛ بسیار خوشنودم که این طرح‌های ارزشمند به همّت محققان این پژوهشگاه انجام می‌گردد؛ یکی از این طرح‌ها کتاب ابعاد شخصیت و زندگی امام رضا علیه السلام (جلد اول و دوم) است که به با نظارت علمی پژوهشکده مطالعات دینی فرهنگ در این پژوهشگاه به فرجام رسیده است. در این جا بر خود لازم می‌دانم از همکارانم در این پژوهشکده و مجریان محترم طرح تشکر کرده و از فرهیختگان و شیفتگان معارف رضوی علیه السلام بخواهم از سر لطف ما را مشمول پیشنهادهای علمی‌شان بگردانند.

یحیی طالبیان

رییس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

مقدمه سوم

ائمه اهل بیت علیهم السلام هر یک چراغی فروزان بر مسیر هدایت بشریت اند و به مصداق سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در باب ثقلین، آموزه‌های آنان در کنار قرآن کریم، راهی همیشگی را برای هدایت یافتن انسان هموار کرده است. در عین آن که آن بزرگواران همه نوری واحد بودند و از حقیقتی واحد سخن می‌گفتند، به اقتضای سمت تعلیم و تربیت، و به مقتضای آن که سخن بلیغ آن است که متناسب با حال مخاطبان باشد، هر یک بسته به نیازهای عصر خود و شرایط فرهنگی و اجتماعی‌شان، بخشی از آموزه‌های اسلام و تشیع را به بشریت آموختند و مسیری از این راه را باز نمودند. در آن میان، امام رضا علیه السلام به سبب شرایط ویژه‌ای که از حیث سیاسی و فرهنگی در عصر ایشان وجود داشت، دارای ویژگی‌هایی است که زندگی و آموزه‌های آن حضرت را در میان ائمه اهل بیت علیهم السلام متمایز کرده است.

از سویی ماجرای جنگ دو خلیفه برادر امین و مأمون و وادار ساختن امام رضا علیه السلام از سوی مأمون برای پذیرش ولایت عهدی پژوهندگان زندگی اهل بیت علیهم السلام را با موضوعی کاملاً نو مواجه می‌سازد و از سوی دیگر، این مناظرات گسترده آن حضرت با صاحبان ادیان مذهب و متکلمان مذاهب مختلف است که از ایشان چهره‌ای متفاوت می‌نماید. اما فراتر از این جنبه‌ها، ناگهان پژوهشگر و طالب معارف اهل بیت علیهم السلام در حین کاوش در زندگی و تعالیم آن حضرت، با گوهری چون طب الرضا علیه السلام روبه رو می‌شود که جنس آن با همه آنچه گفته شد تفاوت دارد و وجهه‌ای دیگر از شخصیت آن حضرت را نمایان می‌سازد. مروری در احادیث و آموزه‌های باقی مانده از

امام رضا (ع) نشان می‌دهد که چگونه آن حضرت به‌عنوان یکی از ائمه معصومین (ع) و مصداقی از ثقلین، بر سنت متصل اهل بیت (ع) از پیامبر (ص) و منشأ وحی تأکید دارد، اما از سوی دیگر انسان را به سوی استفاده از عقل به عنوان ودیعه الهی و مقدس نزد انسان، به ارج نهادن به تجربه و اندوخته‌های نسل‌های بشری، و به طور کلی به احترام نهادن به دانایی‌هایی فرامی‌خواند که فراتر از وحی، از طریق عقل و دانش‌های عرفی برای انسان حاصل شده است. در واقع با قاطعیت می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین محورها در آموزه امام رضا (ع) چگونگی ایجاد تعادل و جستن راهی به دور از افراط و تفریط، در تلفیق میان دانایی‌های برآمده از وحی و دانایی‌های برآمده از عقل و تجارب عرفی است و این نیازی مبرم است که انسان امروز و مسلمان امروز در مواجهه با دنیای دانش و فرهنگ دارد.

با وجود جنبه‌های برجسته و آموزه‌های تابناک در متون و اخبار به دست آمده از امام رضا (ع)، و با وجود پژوهش‌های پرشمار و ارجمندی که تا کنون در باره ابعاد شخصیت و تعالیم آن حضرت صورت پذیرفته است، به نظر می‌رسد هنوز ظرفیت‌ها در این موضوع فراوان است و هنوز این معدن سرشار و ارزشمند، نکاویده‌ها بسیار دارد. آنچه در این مجموعه تقدیم حضور خوانندگان پیراج و جویندگان معارف اهل بیت (ع) می‌شود، مجموعه‌ای از تلاش‌های پژوهشگران در خصوص ابعاد مختلف زندگی و آموزه‌های امام رضا (ع) است که مقالاتی مستقل از پژوهشگران مختلف است که هر یک با توجه به موضوع، و با لحاظ تخصصی که دارند گزیده شده‌اند و در مجموع هدف آن است که پژوهشی یکپارچه و هدفمند، در چارچوب یک طرح نظام یافته ارائه شود که بتواند ما را در راستای استفاده از تعالیم والای رضوی هم در مسیر کاربرد عملی از آموزه‌های آن حضرت در ابعاد مختلف زندگی و هم در راستای جستن تعادل میان وحی و عقل، و ایجاد پلی میان معارف دینی و دانش‌های عرفی یاری رساند، دو امر مهمی که هر دو از نیازهای اساسی برای مسلمان عصر امروزی است.

ادامه

بخش سوم:

علوم و معارف در آموزه های امام رضا (علیه السلام)

امام رضا، کلام و مسائل کلامی عصر

حسین هوشنگی

از حضرت رضا در حوزه‌های گوناگون از جمله کلام، فقه، ادیان و طب آموزه‌های ارزشمندی به دست ما رسیده است. این مقاله ناظر بر دیدگاه‌های کلامی ایشان است که البته در مقام مرزبندی عقیدتی با آراء متغایر و متقابل مطرح در آن عصر بوده است و شامل طیف وسیعی از اعتقادات می‌شود از جمله توحید و نفی تشبیه، صفات الهی؛ مبحث اختیار و عدل؛ کلام الهی و خلق قرآن ولی پیش از ورود به اصل مباحث باید به بستر تاریخی و وضعیت کلام پیش از/ و همزمان با عصر حضرت رضا و نیز روش تعلیم کلامی ایشان اشاره‌ای داشت.

پیشینه کلام تا عصر امام

در قرن نخست هجری قمری تنها آن دسته از گرایش‌های کلامی را شاهدیم که با اتخاذ موضعی خاص در یک یا چند مورد محدود از مسائل کلامی، هنوز به شکل مکتب جامع و نظام‌مند در نیامده‌اند. مسائل مطروحه در این دوره دارای صبغه اجتماعی، اخلاقی و سیاسی است و مباحث صرفاً نظری کلام، و به اصطلاح دقیق الکلام، در قرن سوم مجال و زمینه ظهور می‌یابد. مسأله امامت و منزلت مرتکب کبیره از اولین مسائل کلامی مطرح در

دوره اسلامی است که در سخنان امام رضا هم مورد توجه بوده است. هرچند مسأله مرتکب کبیره در زمان ایشان به حاشیه رفته بود و بدون نظر به طراحان اصلی آن یعنی خوارج، توسط امام رضا بررسی می‌شود (ابن بابویه، التوحید، ص ۴۰۶). به نظر می‌رسد غائله خوارج در پایان قرن دوم فروکش کرده باشد به گونه‌ای که امام خود را ملزم به موضع‌گیری در برابر آنها نمی‌بیند.

گروه کلامی دیگر در قرن اول، اهل ارجاء (مرجئه) هستند که شکل اولیه آن قائل به ارجاء کفر و ایمان صحابه در منازعات پیش‌آمده به روز قیامت و داوری خداوند است (ابن سعد، ۱۹۰۴-۱۹۱۵م، ج ۱، ص ۲۱۴) و شکل متأخرتر که به ارجاء عمل از ایمان اعتقاد دارند و گناه را بالتبع مستوجب کفر نمی‌دانند و البته دامنه بحث را به تدریج به سایر منازعات کلامی از جمله خلق قرآن گسترش می‌دهند، در کلام امام رضا مورد تعریض و تقبیح قرار دارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۲۰).

گرایش متقدم دیگر، قدریه است. این اندیشه توسط معبد جهنی، غیلان دمشقی و سپس توسط واصل بن عطا و عمرو بن عبید صورت‌بندی کلامی یافت و شرور بدین ترتیب از دایره خواست تقدیر و فعل الهی خارج شد (شهرستانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۱). البته با توجه به تقبیح قدریه در کنار مرجئه در برخی احادیث، اصحاب اختیار، قائلان به جبر را قدریه خوانده‌اند و در کلام حضرت رضا هم این اطلاق دوگانه به چشم می‌خورد.

جهمیه جریان دیگری است که در قرن دوم شکل گرفت. پیروان جهم بن صفوان در مسأله قدر با جبریه همراه شدند و در مسأله ایمان هم صدا با مرجئه، جایگاه عمل را در ایمان نفی کردند و در مسأله کلام الهی به خلق قرآن قائل شدند و نهایتاً در دقیق الکلام از تعطیل و نفی صفات دفاع کردند. معتزله به عنوان اولین مکتب کلامی برخی اصول فکری خود را از این گرایش‌های کلامی اتخاذ و استفاده کردند؛ از جمله اختیار را از قدریه و خلق قرآن و نفی صفات را از جهمیه به وام گرفتند که امام رضا نیز در برابر این جریان‌ها مواضعی را اتخاذ کرده‌اند. به‌طور کلی در قرن دوم و سوم با

یک جبهه‌بندی میان دو گروه مواجهیم:

- ۱- داعیه‌داران کلام متشکل از معتزله و گرایش‌های دیگر عقلگرا؛
- ۲- نص‌گرایان مخالف گروه اول که از موضع انفعال و واکنش به گروه اول به برخی مباحث کلامی پرداختند (پاکتچی، ۱۳۷۷ش، ص ۴۳۶). امام رضا در منازعه میان این دو گروه عموماً موضع میانه و اعتدالی را اتخاذ کرده‌اند. البته در میان شیعیان نیز از قرن دوم و از زمان صادقین به بعد متکلمانی ظهور یافتند. هشام بن حکم، یونس بن عبد الرحمان، علی بن منصور، فضل بن شاذان (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۵۳۹، ۲۵۰) همچنین صاحب الطاق، هشام بن سالم جوالیقی، زرارة بن اعین و ابومالک خضرمی (همان‌اثر، ص ۱۴۱؛ اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱ به بعد) از آن جمله‌اند. در میان همین متکلمان شیعی نیز جناح‌بندی‌هایی وجود داشته است (پاکتچی، ۱۳۷۵ش) و البته این جریان کلام‌گرا از جانب حدیث‌گرایان شیعی مورد مخالفت قرار گرفته است (مسند الامام الرضا، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۵۳).

در نقل روایات از امام رضا در باره این مباحث و کسان، دو طیف مخالف در منابع آمده است: گروهی از روایات وجود دارد که در آنها موارد متعددی تخطئه و تقیح و بعضاً حتی لعن و تکفیر افرادی همچون یوسف بن عبدالرحمان (کشی، ۱۳۴۸ق، ص ۴۱۵؛ مسند الامام الرضا، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۵۷)، هشام بن ابراهیم عباسی (کشی، همان‌اثر، ص ۴۲۲)، هشام بن حکم و هشام بن سالم (همان‌اثر، ص ۲۳۷) به چشم می‌خورد. در دسته دیگر روایاتی است که خلاف مطالب قبل نقل شده است از جمله آن‌که امام از تضمین بهشت برای یونس (همان‌اثر، ص ۴۰۹؛ مسند الامام الرضا، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۵۵) و تأیید کلی او (کشی، همان‌اثر، ص ۴۹۱، ۴۱۱) و نیز عبدالصالح بودن هشام بن حکم (همان‌اثر، ص ۴۱۵، ۳۳۰) سخن گفته است. این اختلاف در نقل یا باید ناشی از تفاوت احوال این متکلمان در ادوار گوناگون حیات‌شان باشد که به لحاظ تاریخی صحیح به نظر نمی‌رسد یا باید ناشی از جعل و اختلافات و جناح‌بندی‌های درونی پیش‌گفته باشد. به هر

حال نظر حقیقی امام راجع به متکلمان و روش عقلی آنها را می‌توان از آموزه‌های ایشان درباره روش صحیح در مباحث اعتقادی و کلامی، استنباط کرد.

روش امام در مباحث اعتقادی

امام رضا در مناسبت‌های گوناگون روش صحیح در مباحث کلامی همچون توحید و صفات الهی و اراده و قضا و قدر او را، اتکا و استناد به قرآن می‌دانست "خدا را وصف کن به آنچه او خود را بدان وصف کرده است بدون تجسیم" (ابن بابویه، التوحید، ص ۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۹۷) و در این مسیر نباید خدا را با انسان قیاس کرد (ابن بابویه، همان‌اثر، ص ۴۷). البته اتخاذ روش نقلی به معنای اکتفا به ظواهر و نص‌گرایی نیست و عقل در استنباط لوازم آیات به کار گرفته می‌شود. مثلاً در اثبات اختیار می‌گوید خداوند اگر عملاً منع می‌کرد از آنچه به آن امر کرده بود، هیچ‌گاه ابلیس را برای تخطی از سجده بر انسان لعنت نمی‌کرد و خدا مکلف را به آنچه نهی کرده، وادار نمی‌کند، والا در آیه چنین نمی‌آمد که: "وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى" (طه، ۱۲۱/۲۰؛ طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۹؛ حویزی، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ص ۴۰۴). تأکید بر استناد به نصوص، آنجا توجیه خود را می‌باید که بدانیم خداوند ورای حد عقول و اوهام انسانی است (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۰۵؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۹۸) و امام مکرراً تعبیر قرآنی "لا تدرکه الابصار" را به درک ناپذیری خداوند برای اوهام (برقی، المحاسن، ص ۲۳۹) و یا اوهام القلوب (ابن بابویه، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۴) یا همان عقول، تفسیر می‌کند و با تأکید بر تعریف و وصف ناپذیری حق (ابن بابویه، التوحید، ص ۱۰۰؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۰۲) و فوق توصیف و صف‌کنندگان بودن خدا (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷۹؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۲۴) بر نوعی شناخت و به اصطلاح الهیات سلبی صحه می‌گذارد با این بیان که: "هر گاه توهم و تصویری از چیزی داشتید برای خدا غیر آن را تصور کنید" (کلینی، همان‌اثر، ج ۱، ص ۱۰۰) و براین جمله باید افزود تأکید حضرت را بر تنگنای

زبان و قصور تعبیر از خداوند که "عجزت دونه العبارة" (همان‌اثر، ج ۱، ص ۱۰۵؛ حر عاملی، *الفصول المهمة*، ج ۱، ص ۱۸۶).

البته چنان‌که گذشت این به معنای نفی کلی عقل در شناخت خداوند نیست، چون عقل علاوه بر استنباط و استنتاج لوازم عقلی، از طریق احکام مخلوقات الهی به اصل وجود حق و حدوث خلق می‌تواند راه یابد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۴) و نیز خداوند اجمالاً از طریق نشانه‌ها و آیات شناخته می‌شود (ابن بابویه، *التوحید*، ص ۴۷). به علاوه در دفع اشکال شبهه‌افکنان و در مقام جدل هم عقل و مهارت‌های کلامی را حضرت رضا خودشان به کار می‌گیرند به عنوان مثال در پاسخ به این که روایات دال بر تشبیه از ائمه پیشین نقل شده، می‌گویند مگر از پیامبر ﷺ چنین احادیثی وارد نشده است و اگر بگویند آنها از پیامبر نیست، می‌گوییم روایات منسوب به ائمه از آنها نیست (همان‌اثر، ص ۳۶۳).

توجه به مخاطب هم در اتخاذ روش از نظر امام دخیل است. امام به تفاریق و تکرار بر سخن گفتن با مردم به اندازه فهم آنها تأکید می‌کند: "یکلم الناس بما يعرفون و یکف عما ینکرون" (حویزی، ۱۳۸۳ش، ج ۵، ص ۷۰۷)؛ لذا در حدیث می‌فرماید که در پاسخ به سؤال از کیفیت صفات، بیان "لیس کمثله شیء" و در جواب سؤال از توحید، بیان آیه "قل هو الله احد" کافی است (همان‌اثر)؛ یا گاهی که از ایشان در باره توحید سؤال می‌شد می‌فرمود "همان که شما بر آن هستید" (ابن بابویه، *التوحید*، ص ۴۶). فراتر از این، گاهی به نظر می‌رسد امام به فهم و اجماع عموم استناد می‌کند از جمله در نقد تقدم اراده بر مرید که مدعای سلیمان مروزی است، به فهم عمومی احتجاج می‌کند که این فهم، فاعل و مرید را قبل از اراده می‌داند و در محاجه با ثنوی، اجماع داشتن بر یک مبدأ و اختلاف داشتن در دو مبدأ را به عنوان دلیل برای یگانگی خداوند مطرح می‌کند (همان‌اثر، ص ۲۶۹). در تکمیل بحث باید افزود که امام در حوزه طبیعیات و طب و اغذیه صراحتاً تجربه و آزمودن در مرور ایام را به عنوان مبنای قضاوت خود مطرح می‌کند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت امام در عین تأیید کلی متکلمان "ابن عمی علی بن موسی الرضا یحب الکلام و اصحابه" (عاملی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۲۸) و مفید و لازم دانستن آن در جهت دفاع از امامت و کیان مذهب و رد شبهات و جدل با مدعی، ولی در این مسیر عقل‌گرایی محض و نادیده گرفتن کلام خدا و معصوم را (به عنوان مبنای اصلی برای وصول به چارچوب‌های عقیدتی) نمی‌پذیرد و بحث کردن با فرد پذیرنده و غیرمنکر و نیز به دنبال شکست طرف مقابل بودن، و مغالطه‌کردن را می‌توان از آفات کلام در نزد ایشان دانست (ابن بابویه، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۵۴). به‌علاوه در آن زمان تنها مکاتب کلامی، معتزله و جهمیه بود که برخی تعابیر تند از سوی امام مانند متهم به شرک و بدعت کردن متکلمان (ابن بابویه، التوحید، ص ۴۴۰، ۴۱۹) می‌تواند راجع به آنها باشد.

توحید و نفی تشبیه

توحید با مفهوم وسیعی که دارد در کلام حضرت رضا مکرراً همراه با نفی تشبیه (اسناد صفات خلق به خالق) آمده است (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۵۱)، چون نفی شبیه و مثل در کنار نفی شریک و نفی صفات، زائد بر ذات از ابعاد توحید الهی است. تأکید امام بر نفی تشبیه و البته تجسیم، که اخص از تشبیه است، احتمالاً به جهت انتساب نا به‌جای تشبیه و تجسیم به شیعه در آن روزگار است؛ و البته این امر بعد از آن است که امام آن را حاصل جعل احادیث توسط غلات می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۴۲). البته نمی‌توان نقش برخی آراء تشبیهی و تجسیمی منتسب به هشام بن سالم جوالیقی و هشام بن حکم را نادیده گرفت که در احادیث امام رضا نقد آنها را شاهدیم (ابن بابویه، التوحید، ص ۱۰۴). هر چند در مواردی هم در برابر هشام بن سالم که برای خدا صورت قائل شده است، امام قول هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمان را مبنی بر شیئی لا کالاشیاء بودن خدا را تأیید می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۲۸؛ کشی،

۱۳۴۸ش، ۲۸۴). به هر حال در دوره‌های متأخرتر هم برخی فرقه‌نگاران، تشبیه را به دو هشام نسبت داده‌اند (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱-۳۳؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۷۷؛ شهرستانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵) و فراتر از این ابن تیمیه، هشام بن حکم را اولین کسی دانسته که قائل به تشبیه شده است. (ابن تیمیه، *الفرقان*، ص ۱۲۸).

در بیان امام نفی تشبیه دامنه وسیعی را از نفی شبیه، جا و مکان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۹۹)، صورت (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰۵)، کیفیت و "وجه کالوجه" (ابن بابویه، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۱۵)، بودن در عرش (همان‌اثر، ص ۱۳۴) شامل می‌شود.

دلیل گونه‌ای را که امام در نفی تجسیم می‌آورد "خدا مبدأ (مجسم) اجسام است و مصور صور است [لذا خود نمی‌تواند جسم و صورت داشته باشد] حال آن‌که بنا به قول مشبهه، خالق از مخلوق، رازق از مرزوق متمایز نمی‌باشد" (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۳۷)، امام حتی سخن کسی را که می‌گوید "خدا جسم است نه مانند اجسام"، صحیح نمی‌داند چون چگونه چنین شخصی در عین حال می‌تواند قائل به عدم شباهت خدا به مخلوقات باشد (عیاشی، *التفسیر*، ج ۱، ص ۳۵۶). جالب این‌که در استدلال متقابل از هشام بن حکم نقل شده است، اگر خدا شبیه مخلوقات نباشد، چگونه می‌توان مخلوقات را دلالت‌گر بر او دانست لذا می‌گفت خدا جسم است لا کالاجسام (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱-۳۳).

اما در خصوص این‌که آیا اطلاق شیء بر خداوند جایز است یا خیر، روایات از امام رضا متعارض است. لازم به ذکر است جهم بن صفوان این اطلاق را مستلزم تشبیه و لذا نادرست می‌دانست (همان‌اثر، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ شهرستانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۷۹-۸۱). امام خدا را در روایتی شیء دانسته است به جهت این آیه شریف که قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ... (انعام، ۱۹/۶)؛ البته با این تأکید که نه شیء مانند اشیاء بلکه چنان‌که در تأیید عقیده هشام بن حکم از ایشان روایت شده خدا شیئی است نه مانند اشیاء

(حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۲۲۸).

امام در مقام نفی تشبیه روایاتی را که ظاهراً افاده جبر می‌کنند، تأویل می‌کند. مثلاً روایتی را که مشابه آن در تورات هم آمده مبنی بر این که خدا آدم را به صورت خود خلق کرده است، در مقام هدایت فردی می‌داند که به کسی گفته بود "قیح الله وجهک و وجه من یشبهک" (عاملی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۲۷۲) و برخی منقولات را مانند این که پیامبر خدا را در صورت جوان مشاهده کرد، به تجارب درونی و باطنی برمی‌گرداند که قاعدتاً در چنین مواقعی نباید معنای ظاهری گزارش مراد باشد (ابن بابویه، التوحید، ص ۱۱۳) و در جایی دیگر زیارت رب را به زیارت نبی تأویل می‌کند همچنان که طاعت او طاعت خداست، وجه خدا را نیز انبیاء و اولیا معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۱۵).

امام در کل مردم را در مسأله تشبیه به سه دسته تقسیم می‌کند:

اول: مذهب اثبات التشبیه یعنی کسانی که صفاتی را برای خدا اثبات می‌کنند و این اثبات صفات همراه با تشبیه است.

دوم: مذهب النفی که همان مذهب به اصطلاح تعطیل و تنزیه مطلق است.

سوم: مذهب اثبات بلا تشبیه که تنها مذهب اخیر را صحیح می‌داند (عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۳۵۶؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۱۰۰).

توحید صفاتی

امام رضا نفی صفات را والاترین مرتبه توحید می‌خواند: «کمال معرفت، توحید حق است و کمال توحید، نفی صفات از اوست به این جهت که صفت بر غیریت با موصوف گواهی می‌دهد» (همان‌اثر، ص ۵۶).

در بیان دیگر حضرت ابتدای عبادت خدا را معرفت او، و اول معرفت‌الله را توحید او، و نظام توحید الهی را نفی صفات از او می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ص ۹). البته پرواضح است که با توجه به تصدیق صفات گوناگون

برای خداوند در قرآن کریم، امام علم، قدرت حیات، سمع و بصر الهی را انکار نمی‌کند، بلکه در صدد نفی گرایش‌های تشبیهی آن زمان و احیاناً نقد دیدگاه مسیحیان در تثلیث بوده است که از جانب برخی مسیحیان با صفات الهی مرتبط دانسته شده بود (ولفسن، ۱۳۶۸ش، ص ۱۱۲-۱۳۲)؛ و اعتقاد برخی مسلمانان در باب صفات زائد بر ذات به نوعی مستند آنها قرار گرفته بود. امام خود صراحتاً خداوند را از ازل عالم و قادر وحی و سمیع و بصیر معرفی می‌کند، ولی در عین حال کسانی را که قائل به این هستند که خدا عالم به علم و قادر به قدرت است، مشرک و قائل به کثرت اله می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۲). لذا امام می‌فرماید: "العلم ذاته"، "السمع ذاته"، "القدرة ذاته" (همو، التوحید، ص ۱۳۵، ۱۳۹).

مباحث توحید صفاتی به اصطلاح از دقیق الکلام محسوب می‌شود علاوه بر آن امام رضا به صراحت از قدیم بودن خداوند و از این‌که آن نشان عدم مخلوقیت خداوند است و از دلیل قدیم بودن خداوند (همو، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۴۵) سخن می‌گوید. از این مهم‌تر ایشان در مقام بیان ایجاد ابداعی عالم در "فاطر الاشیا انشاء و مبتدعها ابتداءً بقدرته و حکمته لامن شیء فیطل الاختراع" (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰۵) به آموزه مهم خلق لا من لاشیء اشاره می‌کند. در برابر تعبیر "خلق من لاشیء" از دقت فلسفی افزون‌تری برخوردار است. امام در داوری میان زراه که منفی را شی و مخلوق نمی‌دانست و هشام بن حکم، حق را به هشام می‌دهد که منفی را شیء و مخلوق می‌داند (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۲۲۹).

جبر و اختیار

مسأله جبر و اختیار در کلام امام رضا مرتبط با اراده الهی و قضا و قدر و خالقیت او آمده است. بدین ترتیب می‌توان وجه کار شیخ صدوق را در آوردن بحث جبر و اختیار ضمن کتاب با عنوان "التوحید" نیز فهمید. جبریه

با مطلق کردن اراده و تقدیر و خالقیت الهی، مدعای خود را ثابت می‌کنند و البته بعضاً با علم پیشین هم همین نتیجه گرفته می‌شود.

امام رضا اولاً اراده را از صفات فعل الهی قلمداد می‌کند و قائلان به اراده ازلی را غیر موحد می‌خواند (حرعاملی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۹۶). ایشان با استناد به برداشت عرفی، اراده را غیر از مرید و بعد از او می‌دانند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۷۳) و آن غیر از علم و حادث است، اما غیر از علم است چون نفی اراده، نفی مراد است؛ ولی نفی علم، نفی معلوم نیست. و حادث است چون صفت فعل است و فعل محدث است (همان‌جا)، اراده اگر فعل باشد بحث سمت و سوی جبر پیدا می‌کند.

البته امام رضا بین اراده و مشیت تفاوت می‌گذارد: "المشیه کالاهتمام بالشیء و الارادة اتمام ذلک" (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۵۷). "کالاهتمام" فرمود چون چنان‌که خود امام در جای دیگر آورده است، اراده در انسان ابتدا در ضمیر و باطن است، بعد در فعل ظاهر می‌شود؛ اما در خدا تروی و تفکری مقدم بر فعل نیست (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰۹).

در عین حال ایشان مشیت را در خداوند به عنوان آغاز و آهنگ فعل (ابتداء الفعل) و اراده را "الثبوت علیه" قلمداد می‌کند (برقی، المحاسن، ص ۲۴۴) و بدین ترتیب با این‌که مشیت الهی تعلق به امری می‌گیرد، می‌تواند مراد نباشد.

علاوه بر این گاهی بنا به نقل امام رضا مابین دو نوع اراده الهی، اراده عزم و اراده حتم تفکیک می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۵۰) که شاید بتوان اراده عزم را با مشیت بنا به تعریف یاد شده، مطابق دانست. با این توضیحات معلوم می‌شود اگر امام می‌فرماید در صورت تعلق اراده الهی، امر خدا لاجرم ولو با سلب عقل بندگان نافذ می‌شود (سبسط طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۴۹)، منافاتی با اختیار ندارد.

قضا و قدر الهی، آموزه خداشناختی دیگری است که همواره از آن در جهت تقریر جبر استفاده شده است. شمول تقدیر الهی نسبت به افعال ارادی

انسان ظاهراً به سلب اختیار می‌انجامد. امام رضا نیز تفویض اختیار را آن‌چنان‌که مفوضه و اصحاب اختیار بیان می‌کنند، رد می‌کند و می‌فرماید هر چیزی تحققش به مشیت و اراده و تقدیر و قضای الهی است. مشیت، اهتمام او به شی و اراده، کامل کردن مشیت؛ و تقدیر عبارت است از اندازه‌گیری (هو الهندسة من الطول و العرض) است. هر گاه مشیت و اراده الهی به چیزی تعلق گرفت آن را تقدیر می‌کند و قضای الهی پس از تقدیر است و در نهایت امضا و اجرا می‌آید (برقی، المحاسن، ص ۲۴۴)، ولی چنان‌که خواهد آمد این با قبول نوعی اختیار هم منافاتی ندارد.

از دیگر مبانی خداشناختی جبر، شمول خالقیت الهی نسبت به افعال اختیاری بندگان است (شهرستانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۸۵)، امام رضا در این خصوص آموزه ویژه‌ای مطرح کرده است و آن تفکیک میان "خلق تقدیر" و "خلق تکوین" است. ایشان افعال عباد را مخلوق به معنای خلق تقدیر می‌داند، یعنی در مورد افعال انسان به مخلوقیت به معنای مقدر بودن است. "ان افعال العباد مخلوقه خلق تقدیر لا خلق تکوین" (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۱۷).

بدین ترتیب امام راهی میانه (امر بین الامرین) را در میان مفوضه و قدریه (که آن را بر قائلان به اختیار اطلاق می‌کند) و جبریه می‌گشاید (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۰۳).

باید توجه داشت اندیشه قدر در صورت‌بندی کلامی آن در اواخر قرن اول این‌گونه بیان شد که فعل شر را نمی‌توان به خدا اسناد داد، و نظریه مقابل هم به تناسب به صورت "ان القدر خیره و شره من الله" بیان می‌شد (شهرستانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۷). امام در این باره می‌فرماید خداوند عزیزتر و حاکم‌تر از آن است که کار را یکسره به بندگان بسپارد و عادل‌تر از آن است که جبریه می‌گویند؛ ولی عقیده درست آن‌که انتساب اعمال بد به انسان اولاست و انتساب اعمال خوب به خدا اولی می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۴۹).

در حدیث جامع دیگری جبر را به اسناد فعل به خدا، سپس عذاب کردن انسان به خاطر آن دانسته که به کفر می‌انجامد و نفویض را چنین دانسته است که امر خلق و رزق را به ائمه واگذار شده بدانیم که شرک است، ولی معنای امر بین الامرین این است که در انجام طاعات و ترک منهیات هنوز راهی برای اختیار انسانی باقی است: "وجود السبیل الی اتیان ما امروا به و ترک ما نهوا عنه" (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ۳۴۰) یعنی خدا امر و نهی کرده ولی قدرت و اختیار هم داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۵۴).

امام رضا در این مسیر، مشیت و اراده الهی را امر به طاعات و رضایت او به آنها، و یاری رساندن و توفیق در آنها دانسته است و در معاصی، نهی از آنها و سخط در آنها و خذلان بر انجام آنها، قضای الهی هم حکم خدا بر افعال بندگان است به لحاظ ثواب و عقاب (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۴).

عقیده اختیار گاهی در قالب قول به استطاعت یعنی توان و قدرت بر انجام کار توسط انسان مطرح می‌شود. امام رضا عقیده یونس بن عبدالرحمان را در استطاعت که بر پیروی از زراره و در دفاع از اختیار به آن قائل بود، بر خطا می‌داند؛ و استطاعت را به شیوه شرط استطاعت در حج به تحقق شرایطی همچون صحت جسم، سلامت اعضا و داشتن توان مالی معنا می‌کند که فرد با حصول آنها هم می‌تواند به فعلی اقدام یا از فعلی اجتناب کند (ابن بابویه، التوحید، ص ۳۴۸)؛ چنان‌که شخص مستطیع در حج نیز می‌تواند اقدام یا ترک کند. این تلقی از استطاعت که به عنوان نظریه‌ای بینابین اختیار و جبر مطرح می‌شود در آموزه‌های قدریه در اوایل قرن دوم هم سابقه داشته است. غیلان دمشقی، استطاعت را به صحت و سلامت و عاری بودن اعضای بدن از آفات تفسیر می‌کرد (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۹).

در پایان باید گفت این رویکرد اعتدالی امام و اجتناب ایشان از طرفین افراط و تفریط را جدای از جبر و اختیار، در سایر مسائل کلامی مطرح در آن عصر هم می‌توان مشاهده کرد. در مسأله صفت کلام الهی و قرآن کریم و سایر کتب اسمانی به عنوان مظهر و مصداقی از آن کلام، طرف افراط، به

امام رضا، کلام و مسائل کلامی عصر □ ۳۱

قدیم بودن کتاب، حتی الفاظ مکتوب و اصوات مسموع آن قائل بود و طرف
تفریط، کلام را یکسره حادث می دانست (ابن حزم، ۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵).
امام رضا اولاً با تذکر به این که خدا منزّه است از تکلم کردن مانند انسان
(لیس کمله شیء) و لذا کلام الهی با لفظ و دهان و لسان نیست (ابن شهر
آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۵۱)، می فرماید حقیقت کلام الهی غیر مخلوق
است ولی وقتی در قالب کلام و سخن در می آید اخبار و قصص است [و
لاجرم مخلوق] (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۲۰).

منابع:

قرآن کریم؛

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *علل الشرایع*، به کوشش سید محمد صادق بحر العلوم، نجف: مکتبه الحیدریه.

همو (۱۴۰۰ق)، *الامالی*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.

همو، *التوحید*، به کوشش سیدهاشم حسینی تهرانی، قم: النشر الاسلامی.

همو، *عیون اخبار الرضا* (علیه السلام) به کوشش سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران: انتشارات جهان.

ابن تمیمه، تقی الدین، *الفرقان*، به کوشش خلیل میس، بیروت، بی تا.

ابن حزم، علی (۱۴۰۵ق)، *الفصل فی الملل و الاہواء و النحل*، به کوشش محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمان عمیره، بیروت: بی جا.

ابن سعد، محمد (۱۹۰۴-۱۹۱۵م)، *کتاب الطبقات الکبیر*، به کوشش زاخا و دیگران، لیدن: بریل.

ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، قم: چاپخانه علمیه.

اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰ق)، *مقالات الاسلامیین*، به کوشش هلموت ریتر، ویسبادن.

برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، به کوشش سید جلال الدین حسینی، قم: دارالکتاب الاسلامیه.

بغدادی، عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق*، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، کتابخانه محمد علی صبیح.

پاکتچی، احمد (۱۳۷۵ش)، "گرایش های فقه امامیه در سده دوم و سوم هجری قمری"، *نامه فرهنگستان علوم*، شماره ۴، سال ۳.

پاکتچی، احمد (۱۳۷۷ش)، "اسلام: اندیشه های فقهی سده های ۲-۳ق"، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۸، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

همو، *الفصول المهمه فی اصول الائمه*، به کوشش محمد الحسینی القائینی، قم: مطبعه نگین.

حویزی، عبد بن جمعه (۱۳۸۳ق)، *نور الثقلین*، به کوشش سیدهاشم رسولی

امام رضا، کلام و مسائل کلامی عصر □ ۳۳

محلاتی، قم: بی جا.

سبط طبرسی، ابوالفضل علی (۱۳۸۵ق)، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، نجف: مکتب حیدری.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۴۰۶ق)، الملل و النحل، به کوشش محمد سید گیلانی، بیروت: بی جا.

طبرسی، ابومنصور (۴۱۳ق)، الاحتجاج، به کوشش ابراهیم بهادری، تهران: انتشارات اسوه.

طوسی، محمد بن حسن (۴۱۴ق)، الامالی، قم: دار الثقافة.

عاملی، علی بن محمد (۱۳۹۸ش)، الدرالمشور من الماثور و غیرالماثور، قم: مطبعه مهر.

عیاشی سمرقندی، تفسیر، به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه، بی تا.

کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد: آستان قدس.

کلینی، محمد بن یعقوب (۴۰۵ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت: دار الاضواء.

مجلسی، محمد باقر (۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.

مسند الامام الرضا علیه السلام (۴۰۶ق)، به کوشش عزیزالله عطاردی خبوشانی، مشهد: نشر آستان قدس.

ولفسن، هری اوسترین (۱۳۶۸ش)، فلسفه علم کلام، ترجمه احمد آرام، تهران: مؤسسه الهدی.



امام رضا (علیه السلام) و مسائل اصول فقه

احمد پاکتچی

بی تردید دانش اصول فقه را باید یکی از علمی دانست که بنیاد آن در فرهنگ اسلامی نهاده شده و رشد و تکامل خود را در همین محیط فرهنگی ادامه داده است. در سده نخست هجری، از آنجا که حتی ذی‌المقدمه این علم، یعنی دانش فقه، مرحله آغازین و نامدون خود را طی می‌کرد، انتظار پرداخت مهمی به اصول وجود ندارد؛ هر چند آشکار است که همان سده برخی نظریات مقدماتی در خصوص استناد به کتاب و سنت ارائه می‌شد و زمینه‌های بحث از اجماع و قیاس هم در اواخر همان سده فراهم آمده بود. در نیمه نخست سده دوم هجری، گذار فقه از مرحله آغازین خود به مرحله «فقه تقدیری» یا نظام‌گرا، تحولی سریع بود که گرایشی گسترده به رأی و شیوه‌های هنوز نامدون اجتهادی را به همراه داشت و همین امر به نوبه خود، اختلافاتی گسترده در فتاوی، و نابسامانی‌هایی در امر قضا را موجب شده بود.

جای سخن نیست که میان مرحله ناپختگی روش‌های نظری در فقه آغاز قرن دوم و مرحله تألیف آثار اصولی در اواخر آن قرن، باید منزلتی را تصور کرد که در آن عالمانی با بحث‌های پیگیر در محاضرات فقهی خود، راه را برای تدوین کنندگان اصول کوبیده‌اند. تا آنجا که به محافل عامه مربوط می‌شود، اصحاب رأی نقشی مؤثر ایفا کردند، هم از آن حیث که نظریاتی را